

تیم ملی فوتبال ایران در جام جهانی قطر ۲۰۲۲

**تیم ملی فوتبال، تنها نماینده ایران در جام جهانی قطر نیست!**

# چگونه یک ایرانی، نماد جام جهانی را طراحی کرد؟



**گروه فرهنگی:** از سال ۱۹۶۶ میلادی، در هر دوره از جام جهانی فوتبال یک نماد خوش‌یمن برای مسابقات انتخاب می‌شود و این بار، یک ایرانی نماد جام جهانی را طراحی کرده است.

ولی، نخستین نماد خوش‌یمنی بود که برای جام جهانی فوتبال در انگلستان انتخاب شد و پس از آن در هر دوره نمادی برای مسابقات طراحی شده که برخی از آنها بیشتر در خاطرات ماندگار شدند؛ از جمله نماد آدمک مکعبی جام جهانی ایتالیا یا خروس جام جهانی فرانسه. در طراحی نماد خوش‌یمنی از خصوصیات کشور میزبان مانند لباس و فرهنگ و جغرافیا استفاده می‌شود و حالا نماد جام جهانی قطر که روز دوازدهم فروردین رونمایی شد به متفاوت ترین نماد جام‌های جهانی تبدیل شده است.

«لعیب» نام این نماد است که در زبان عربی به معنای بازیکن فوق العاده ماهر است. لعیب شخصیتی سرگرم کننده و بازیگوش دارد و پیام آور روحیه جوانی، شادی و اعتماد خواهد بود. علی‌المولوی، معاون مدیر کل مسابقات جام جهانی قطر می‌گوید: ما مطمئن هستیم که طرفداران در همه جا این شخصیت سرگرم کننده و بازیگوش را دوست خواهند داشت. لعیب نقش حیاتی ایفا خواهد کرد زیرا ما طرفداران پیر و جوان را در تجربه جام جهانی فوتبال قطر درگیر می‌کنیم. لعیب از دنیایی موازی (متاروس) می‌آید که در آن نمادهای گوناگون مسابقات زندگی می‌کنند. دنیایی است که ایده‌ها و خلاقیت‌ها اساس شخصیت‌هایی است که در ذهن همه زندگی می‌کنند.

کارشناس می‌گویند این نماد تمام داشته‌های فرهنگی،

ایمیلی را از فیفا دریافت کردند مبنی بر اینکه کشور قطر هیچ کدام از سه طرح را نپذیرفت و قصد دارد نماد جام جهانی را خودش طراحی کند و این پروژه همینجا متوقف می‌شود.

اما مدتی بعد او از دفتر امیر قطر ایمیلی جدید دریافت کرد با این مضمون: «ما یک طرح داریم و می‌خواهیم برای نماد جام جهانی، شما روی آن کار کنید.» اوجاقی می‌گوید: «من متوجه شدم که آنها فقط یک ایده دارند که امیر قطر آن را داده. او می‌خواست تا از این رویداد استفاده کند و فرهنگ لباس کشورش را نشان بدهد. بعد من در مکاتبات با دفتر امیر قطر متوجه شدم او از طرح شاهین من خوشش آمده اما ترجیح داده که لباس کشورش (دشداشه) را تبلیغ کند».

این طرح ایرانی قصد داشت نمادی را بکشد که دست و پا هم داشته باشد اما طرف قطری اعتقاد داشت که این نماد فقط باید یک حالت روسری داشته باشد. چالش نخست این بود که یک روسری سفید رنگ چگونه می‌تواند تبدیل به نمادی جذاب شود و سپس چگونه می‌تواند حرکت کند و رویایی یزدن و احساسات فوتبالی را نشان بدهد؟ نکته دیگر اینکه لباس دشداشه قطری با آنچه در سایر کشورهای عربی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تفاوت‌های جدی دارد؛ از جمله سه گره در قسمت مشکی رنگ بالای آن و در همین خاطر مسئولان کشور قطر دقت زیادی درباره این طراحی

را می‌خواستند اما در نهایت دو ماه پیش حسین اوجاقی طرح نهایی را به فیفا و کمیته برگزاری جام جهانی قطر تحویل داد و سرانجام همین طرح انتخاب شد.

او درباره ارتباط با امیر قطر به عنوان رهبر این کشور توضیح می‌دهد: «تکته مهم در مکاتبات، دقت و وسواس بالای او بود. همچنین اینکه به شدت طرفدار فوتبال است و تلاش می‌کند تا در این زمینه نقش آفرینی کند هم اهمیت دارد. به طور مثال در قسمت پایین طرح من از هنرهای زنان قطری با حنا استفاده کردم و فیفا تاکید داشت که طرح باید شلوغتر باشد. در نهایت امیر قطر گفت که شلوغی پایین طرح باعث می‌شود تا توجه از خود روسری سفید رنگ برداشته شود.

من هم این را به فیفا گفته بودم اما قبول نکردند و در نهایت وقتی امیر قطر این را گفت، مورد قبول قرار گرفت. برابیم جالب بود که تا این حد دقت دارد.»

حالا ایرانیان به این که نماد جام جهانی قطر را یک ایرانی طراحی کرده افتخار می‌کنند اما خیلی از ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی حسرت می‌خورند وقتی می‌بینند همسایه جنوبی ما با وسعت و جمعیت اندک و قدمتی که به زحمت به پنجاه سال می‌رسد چنان پیشرفت کرده که می‌تواند میزبان جام جهانی فوتبال باشد و ایران با قدمت و تمدن و تاریخ و فرهنگی کهشن، گرفتار حجم بزرگی از مشکلات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی است…



## «ویل اسمیت» از آکادمی اسکار استعفا داد

بسیاری از دوستان عزیز و کسانی که دوستانم دارم و تمامی مخاطبان در سراسر جهان می‌شود.

من به اعتماد آکادمی خیانت کردم و دیگر نامزدها و برندگان را از فرصت جشن گرفتن کارهای فوق‌العاده‌اشان محروم کردم. می‌خواهم بار دیگر کسانی که به دلیل دستاورد خود شایسته توجه بودند در کانون تمرکز قرار دهم و به آکادمی اجازه دهم تا به کار فوق‌العاده‌اش در حمایت از خلاقیت و هنر در سینما ادامه دهد».

آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار چند روز پیش اعلام کرده بود بررسی حواشی شب مراسم اسکار نود و چهارم را آغاز کرده و به تخلفات «ویل اسمیت» شامل برخورد فیزیکی نامناسب، رفتار تهدیدآمیز و توهین‌آمیز و به خطر انداختن یکبارگی آکادمی رسیدگی خواهد کرد.



**پوریا پورسرخ:**

## دوست دارم نقش پوریای ولی را بازی کنم

سابق خود برگشته است و ما هم مشغول ضبط این سریال هستیم. سریالی شیرین است مردم آن را دوست خواهند داشت.

**حضور در سریال‌های نوروزی چندر برای خودتان جذابیت دارد؟**

همیشه به نظرم سریال‌های عید مخاطب خودش را دارد و به‌نظرم این‌س سالها سریال‌های خیلی خوبی ساخته شده که خود من بیننده پر و پا فرشان بودم و برای مثال اگر ایران هم نبودم سریال پایتخت را می‌دیدم. اما در کل سریال‌های عید فرصت خوبی است که بخواهیم با مخاطبان جدید دیدار کنیم و ارتباط خوبی با مردم بگیریم. **با توجه به اینکه در نوروز سه سریال دیگر به هم‌زمان با سریال شما روانه آنتن شده‌است، چندر به بازخورد مخاطبان از این سریال امیدوار هستید؟**

سریال ما سریال شریفی است و به نظرم کار خوبی خواهد شد. گروهمان بسیار حرفه‌ای هستند و تجربه کاری ام می‌گوید همیشه گروه خوب، خروجی خوبی هم دارد.

**ای اولین تجربه همکاری شما با گروه سهیل موفق است؟**

بله، روزهای ابتدایی که با آقای موفق کارگردان این سریال صحبت کردیم کمی شرایط برای پیوستن به گروه سخت بود اما آنقدر گروه خوبی جمع کرد که هر روزی که گذشت از حضور در این گروه خوشحال‌تر شدم.

**با توجه به اینکه در این سالها نقش‌های متفاوتی را بازی کردید، در «دردسرای شیرین» هم مخاطب این تفاوت را می‌بیند؟**

درست است که اسم کار ما برای عید است و در این مناسبت پخش شده اما به آن معنا کار کمدی نیست. در واقع کاری است اجتماعی و خانوادگی و امیدوارم کار خوبی شود.

**چقدر دوست دارید تا در کارهای کمدی حضور داشته باشید؟ اصولاً حضور در کارهای کمدی جزو دغدغه‌هایتان هست؟**

تقریباً باید بگویم کار کمدی ای نیست که باید و من آن را نینم. خیلی هم خوش خنده و شوخ طبع هستم. حتی اگر طنز هم نباشم اما از طنازی افسرد لذت می‌برم و در کنار فیلم‌های ایرانی کمدی، فیلم‌های خارجی کمدی را هم می‌بینم و با اینکه معتقدم خیلی فرهنگشان با فرهنگ ما یکی نیست و شاید برایمان خنده هم نباشد، اما از طنازی شان لذت می‌برم. در کل باید بگویم از طرفداران این ژانر هستم.

**موضوع اصلی این سریال درباره کارآفرینی است. با توجه به افزایش چقدر این سریال بتواند در این زمینه موفق عمل کند؟**

به نظرم هر چه که ما در موردش صحبت می‌کنیم باید بسترش آماده شود. برای مثال می‌گویند فرزند آوری خوب است و طرفت چند هفته می‌بینیم که شوخ‌خشک نایاب می‌شود؛ یا اگر هست گران قیمت است یا در مورد دارو همنظور. به نظرم با سریال سازی اتفاق ویژه ای در مورد این طور مسائل نمی‌افتد. فرهنگ سازی یک بحث است، آماده کردن بستر یک بحث دیگر. اگر ما ۲۴ ساعته هم برای کارآفرینی سریال بسازیم اما ببینیم افرادی که ارزهای ۴۲۰۰ تومانی به آنها تعلق گرفته و لیست‌هایشان هم اعلام شده همچنان حضور دارند و فعالند فایده‌ای ندارد؛ خروجی اش می‌شود اینکه می‌گویند ارز را بردارید چون فساد ایجاد کرده است و جالب این است که مصرف کننده‌ای که قرار است از این افزایش قیمت سود کند، لطمه می‌خورد و فردی که رانتی ایجاد کرده دارد همچنان به کارش ادامه می‌دهد.



**شما که مخاطب تلویزیون هم هستید،**

**فکر می‌کنید سریال‌های تلویزیون رونق سابق را دارند؟**

بالاخره نمی‌شود شما بیشتر از هر چه سخت گیری داشته باشید. الان وی او دی‌ها رقابت خوبی ایجاد کرده‌اند و این خیلی خوب است. شبیه هر اتفاق دیگری باید بازیگر خودش را در این رقابت قوی تر کند نه اینکه دست و پایش را ببندد. تلویزیون همیشه مخاطب خودش را دارد یک روز کمتر و یک روز بیشتر، اما از بین نمی‌رود. من خودم مخاطب سریال‌های تلویزیونی هستم و معتقدم تلویزیون باید تجدید نظری در رفتار برخی از تهیه‌کننده‌هایش داشته باشد. وضعیت طوری شده که یکسری از بازیگرهای خوب این روزها کمتر کار می‌کنند. مصاحبه‌ای از آقای مجید مظفری خواندم و این خیلی بد است که در آن مصاحبه گفتند دو سال است که دنبال پولشان هستند و هنوز تلویزیون با ایشان تسویه نکرده است.

تعدادی بازیگر داریم که خداراشکر دستمزد بالایی دارند و هم تریونی دارند که هر از گاهی در آن حرف می‌زنند، اما بقیه اجتماع بازیگران را که نگاه می‌کنید، اینطور نیست و خیلی‌هايشان در گیر زندگی روزمره شان هستند و برای همین روزمرگی‌هايشان

### فرهنگی

نگاه

**نگاهی به نمایش «بک تو بلک»**

**زندانی تاریکی**

رویا سلیمی



محصولات فرهنگی عامه‌پسند، همواره از یک الگوی ثابت تبعیت می‌کنند. رعایت تمام الگوها قطعاً جهت رسیدن به جذب مخاطب انبوه است. در نگاه کلی یکسری از این الگوها، ماندن در سطح بیان مفاهیم مختلف است. این سسطحی شدن، نیاز به اندیشیدن را در مخاطب به حداقل می‌رساند و مواجهه او با اثر، فراتر از لحظه خواندن– تماشا – شنیدن نخواهد بود و در ادامه چیزی به او اضافه نشده و درکی او را همراه با خود از اثر بیرون نمی‌برد.

نمایش «بک تو بلک» به نویسندگی، کارگردانی و بازی سجاد افشاریان که این روزها در تماشاخانه شهرزاد اجرا می‌شود، از مشخصه‌های محصولات فرهنگ عامه‌پسند تبعیت می‌کند. نمایش مجموعه‌ای از مونولوگ‌هایی است که گاهی با ترانه‌ای در سبک پاپ همراه می‌شود و همه چیز در سطح روایت می‌شود و به سطحی‌ترین شکل ممکن پلات نمایش پیش می‌رود و در انتها مکانیک وار پایان را تجربه می‌کنند. اما این سطحی‌انگاری در کنار نگاه بوج‌گرایانه به جهانی که ترسیم می‌کند، تناقضی عجیب را نسبت به دنیایی که خلق کرده به وجود می‌آورد. ظرف و مفروض «بک تو بلک» سازهای نامازگار و غیرمنطبق با یکدیگر را تشکیل می‌دهند که نامنسجم و غیر همخوان است.

علی، شخصیت اصلی نمایش که در مستطیلی سیاه قرار دارد و دائم در میزانشنن محدود مستطیل شکلی دور خود می‌چرخد، تنها حرف می‌زند و به همین حرف زند انکفا می‌کند. این حرف زند‌های پی در پی او در مورد زندانی، عشق، تنهایی، فقر وروایت یا عمل نمایشی در پی ندارند. از این رو، اگر چشم‌انداز را ببینیم با نمایش رادیویی هم روبه رو نخواهیم بود و آنچه می‌ماند لحن و صدایی است که تکراری می‌شود. در «بک تو بلک» اکت نمایشی با موقعیت نمایشی رقم نمی‌خورد. او مشغول خاطره‌گویی از گذشته است و در گذشته، حال خود را می‌گذراند و این خاطره‌گویی نقشی در رساندن روایت از نقطه اول به نقطه دوم ندارد. عشق و ازدواجی که در زمان مرخصی از زندان با وقوع بیوسفته و در نهایت عسند تحمل زندان و تنهایی، خاطرات او را تشکیل می‌دهد. سجاد افشاریان گویا مشغول ارائه سرگذشت شخصی است که در زندان دست به خودکشی زده است. بیش از این نکته دیگری برای نمایش باقی نمی‌ماند. نمایش بی چیز و فاقد دکور و صحنه، نور و … حالا فاقد متنی نمایشی هم هست. استدلال نمایشی بی چیز به لحاظ اجرایی، در مورد نمایشی عامه‌پسند بیشتر ناشسی از کم کاری و کم سلیقگی در اجرا است تا تبعیت از بیان نمایشی خاص.

در این میان اما مضامینی که از آن صحبت می‌کند یکسر رنگ اگزیستانسیالیسه خود می‌گیرد. روح اثر از بوجی مطلق غوطه‌ور می‌شود که از ابتدا و با عنوانسی که برای آن انتخاب کرده تا انتها و تصمیم به خودکشیی و اکتها به آن نسبی خود را طی می‌کند. «بک تو بلک» به معنای بازگشت به سیاهی و تاریکی، به گونه‌ای روایت قبل از تصمیم به خودکشیی را بیان می‌کند. هنگامیکه در ابتدای نمایش، حرکت انداختن چهارپایه را دوباره تکرار می‌کند و روایت خود را از نو ادامه می‌دهد، روند این تکرار را در ذهن مخاطب می‌کارد و در تمام طول نمایش نیز این تکرار مضامین بارها صورت می‌پذیرد. استعانی که در «بک تو بلک» تعریف می‌شود از هیچ و از تاریکی وارد جهانی یکسر به همان تاریکی بازمی‌گردد. این نگاه بوج‌انگازانه به هستی، مبدا و معاد با پایان‌بندی آن همخوانی داشته و تمام مسائلی که در نمایش مطرح می‌شود در این نگاه قابلیت تفسیر و تعبیرپذیری دارند. ضمن اینکه تنهایی را ذاتی وجود انسان دانسته و بر این اساس، شخصیت اصلی هر چند در بحرانی‌ترین لحظات هم صدایی پشتت تلفن همراهسی‌اش می‌کند، اما این همراهی راه به جایی نمی‌برد. او در خود و با خود به سیر و شناخت می‌رسد. شناختی همواره آمیخته با یأس و هیچ‌انگاری که کورسوی روشنی در دل این تاریکی، مرخصی کوتاه مدت او و عشق و ازدواجی است که اتفاقاً لحن کمیک به خود می‌گیرد. یکی از مسائلی که به سطحی‌ترین شکل به آن می‌پردازد، عشقی است که روایت می‌شود و در قالب همخوانی با خواننده زن به نمایش در می‌آید. عشقی در یک نگاه و اصطلاحاً تینیجری که به ازدواج می‌انجامد و روایتی تک خطی از این بخش زندگی علی با بازی سجاد افشاریان است. اما اگر این بخش روایت یا بخش‌های دیگر را کم یا زیاد کنیم، یا نزنشینیم، چیزی از کل اثر از دست ندادیم. در کنار بازی – روایت افشاریان که احتمالاً قرار است سوبه رتل نمایش را در کنار کل واقع‌گرایی خود به مضمون همراهی کند، روایت رتل مانند رمان‌های عامه‌پسند یا احتمالاً تینیجر پسند، خیلی زود به اوج خود می‌رسد و خیلی زود و بدون مقدمه و مآخره به اتمام می‌رسد. عمق اتفاقات واکاوی نمی‌شود و فراتر از بیان خاطره‌ای از اتفاقی که پیش از این رخ داده، نمی‌رود. آنچه بیش از هر چیز بر آن تاکید می‌شود، روایتی غلوآمیز از عشقی آتشین است که در تنهایی گویی شمله‌هایش بیش از پیش بر جان او می‌نشیند، اما کمکی به روشنایی مستطیل تاریکی که علی در آن گرفتار افتاده نمی‌کند. تاریکی همواره و در همه حال جهان پیرامون شخصیت را فرا گرفته و هیچ مفری او را به سمت روشنایی سوق نمی‌دهد.

خبر

### سفرهای نافر جام ۲ خواننده ایرانی برای کنسرت در خارج از کشور

طی ۱۰ روز گذشته دو خواننده ایرانی برای برگزاری کنسرت خود در خارج از کشور با مشکلاتی حاشیه‌ساز دست و پنجه نرم کردند و در نهایت نیز موفق به برگزاری کنسرت در خارج از کشور نشدند.

به گزارش ایسنا، شامگاه پنجشنبه - ۱۱ فروردین ماه - اخبار متعددی در رسانه‌های متفاوت مبنی بر ممانعت کشور آمریکا از ورود علیرضا قربانی، خواننده سرشاس ایرانی به این کشور برای حضور در کنسرت نوروزی منتشر شدند. بنا بر آنچه برخی از رسانه‌ها همچون لس آنجلس تایمز و یا رسانه‌های داخلی گزارش دادند، قرار بود یک رویداد نوروزی توسط بنیاد فرهنگ در همکاری با Pacific Symphony، با حضور هنرمندان ایرانی با صدای علیرضا قربانی برگزار شود. در این اخبار ذکر شده بود که قربانی اقامت کانادا را دارد (۲) و جمعه ۲۵ مارس از تورنتو عازم آمریکا بوده است ولی پس از یک بازجویی چهارساعته موفق به حضور در آمریکا نشده است.

همچنین در برخی از این گزارش‌ها آورده شده بود که این خواننده حتی بر روی صندلی خود در هواپیما نیز نشسته بوده که مأموران پلیس وارد هواپیما شده و او را از هواپیما خارج کرده‌اند و طی یک بازجویی چهارساعته درباره دوران سربازی دو ساله این هنرمند در سپاه پاسداران، او به او اعلام کرده‌اند که ویزای آمریکای او کنسل خواهد شد و دیگر امکان ورود به این کشور را نخواهد داشت.

ولی روز گذشته پس از این حواشی پیش آمده، قربانی با انتشار ویدیویی اعلام کرد که او وارد هواپیما نشده و پس از بررسی پاسپورت او اجازه ورود به خاک آمریکا به این هنرمند داده نشده که بنا بر احتمالات وکلای او دلیل این امر گذراندن سربازی در سپاه پاسداران بوده است. قانونی که از سال ۲۰۱۹ در قبال همه اجرایی می‌شود.

قربانی در توضیحاتی دیگر مواردی چون بازجویی چندساعته، اقامت کانادا و یا اینکه پس از سوار شدن در هواپیما و نشستن در صندلی او را خارج کرده‌اند را کذب و تحریف دانست و هشدار داد که نیم حقیقی او می‌توانند فرد یا افراد و رسانه‌هایی که این خبر را منتشر کرده اند را پیگیری قانونی کنند.

با این همه از آنجا که قربانی به اجرای روز شنبه خود نرسید، سینا سرلک که پیشتر خبر مهاجرتش به آمریکا در برخی رسانه‌ها عنوان شد، جایگزین او در این کنسرت شد و علیرضا قربانی نیز هم اینک پس از سفری طولانی بار دیگر به کشورش بازگشته است. فرزاد فرزین، خواننده پاپ که به همراه الیاس یالچینش خواننده ترکیه‌ای قطعه مشترک «هاسک» را به زبان‌های ترکی و فارسی تولید کرده بود، قرار بود برای نخستین‌بار و پیش از انتشار ترانه مشترکش با یالچینش، ۳۱ مارس در استانبول به روی صحنه برود ولی گویا به علت ابتلاء به کرونا تحت مراقبت‌های ویژه قرار گرفته است.

برخی رسانه‌ها از حال نامساعد و حتی پایین آمدن سطح هوشیاری فرزین خبر داده اند؛ مطلبی که البته به تأیید سایت رسمی خود هنرمند نرسیده و این در حالی است که گروهی دیگر انتشار این مطلب را به فروش نرفتن بلیط‌های کنسرت ترکیه نسبت می‌دهند.